

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
مِنْ مَعِينِ  
مِنْ مَعِينِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

پژوهشکده ادبیات

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

بررسی تحول روایی داستانها

در بازنویسی‌های منثور فارسی کلیله و دمنه

استاد راهنما:

دکتر زهرا پارساپور

استاد مشاور:

دکتر شهرام آزادیان

پژوهشگر:

علیرضا فتاح

۱۳۹۴

پیشکش به

ساحتِ قدسِ حضرتِ اباعبدالله امام جعفر صادق

علیه الصلوٰه و السلام

-که ابن مقفع از حضرتش شرم می کرد و می گریخت-

تا به نامش تبرکی یابد.

## چکیده

کلیله و دمنه در مقام یکی از کهن‌ترین و تأثیرگذارترین متون داستانی تاریخ بشر، در ایران جایگاهی ویژه دارد. از این کتاب در زبان فارسی تحریرهای متعددی وجود دارد که چهار تحریر از این میان مهم‌تر از بقیه هستند. تفاوت‌های روایی و داستانی تحریرها با یکدیگر مسأله‌ای است که نیاز به بررسی و سب‌یابی دقیق دارد. در این رساله، یک‌یک داستان‌های اصلی و فرعی چهار متن کلیله و دمنه نصرالله منشی، *داستانهای بیدپای محمد بخاری*، *انوار سهیلی ملاحسین کاشفی* و *عیار دانش ابوالفضل علامی* بر مبنای دانش روایت‌شناسی به واحدهای روایی تجزیه شده‌اند و سپس این واحدها در کنار هم در جدول‌های مقایسه‌ی روایی که برای این کار ایجاد شده‌اند، قرار گرفته‌اند. بنا بر این مقایسه، تفاوت‌های هر داستان در چهار روایت بررسی و تشریح شده است و سعی شده تا انگیزه‌های هر مؤلف از تغییرات روایی فهمیده شود. در پی این بررسی‌ها آشکار شده است که مؤلفین علی‌رغم تفاوت‌های تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی دست به تغییرات بنیادینی در داستان‌ها زده‌اند و تنها به تغییراتی جزئی در داستان‌ها اکتفا کرده‌اند. در این مقایسه آشکار شده است که بخاری و منشی از روی نسخه‌های متفاوتی از کلیله و دمنه عربی اثر خود را ترجمه کرده‌اند و روایت بخاری نسبت به روایت منشی توجه بسیار بیشتری به جزئیات داستان دارد. کاشفی و علامی هم علاوه بر حکایت‌ها و پی‌رفت‌هایی که به داستان‌های اصلی افزوده‌اند، اکثر گفتگوها را گسترش داده‌اند.

## فهرست

۶.....	پیشگفتار.....
۹.....	فصل اول: طرح تحقیق.....
۱۰.....	مسأله پژوهش.....
۱۰=.....	موضوع پژوهش K.....
۱۰=.....	قلمرو پژوهش.....
۱۰.....	اهمیت و ضرورت پژوهش.....
۱۱.....	اهداف پژوهش.....
۱۱.....	کاربردهای پژوهش.....
۱۱.....	نوع پژوهش.....
۱۱.....	سؤالات پژوهش.....
۱۱.....	فرضیه‌های پژوهش.....
۱۲.....	روش پژوهش.....
۱۲.....	پیشینه پژوهش.....
۱۵.....	فصل دوم: نگاهی به تحریرهای کلیله و دمنه.....
۱۶.....	۱. پنجه تنتره.....
۱۹.....	۲. کلیله و دمنه پهلوی.....
۲۰.....	۳. کلیله و دمنه ابن مقفع.....
۲۳.....	۴. کلیله و دمنه رودکی.....
۲۳.....	۵. کلیله و دمنه نصرالله منشی.....
۵۵.....	۶. کلیله و دمنه محمد بخاری (داستانهای بیدپای).....
۶۶.....	۷. کلیله و دمنه منظوم قانع طوسی.....
۲۷.....	۸. انوار سهیلی.....
۲۸.....	۹. عیار دانش.....

۹۹.....	۱۰. پنچاکیانه .....
۳۰.....	۱۱. نگار دانش و سایر تحریرهای متأخر .....
۳۱.....	چرایی برگزیدن این چهار تحریر در این پژوهش .....
۳۴.....	<b>فصل سوم: کاربردهای روایت‌شناسی در بررسی روایت‌های کلیله و دمنه</b> .....
۳۵.....	۱. مسألهٔ روایت .....
۳۶.....	۲. مختصر پیشینهٔ روایت پژوهی .....
۳۹.....	۳. تعریف روایت .....
۴۰.....	۴. داستان و کلام (فایولا و سیوژه) .....
۴۲.....	۵. اجزای روایت: گزاره و پیرفت .....
۴۵.....	۶. گزاره‌های داستانی و غیرداستانی در متن کلیله و دمنه .....
۴۹.....	۷. گزاره‌های هسته و وابسته .....
۵۱.....	۸. نحوهٔ شکل‌گیری پیرفت‌ها از ترکیب گزاره‌ها .....
۶۶.....	۹. نحوهٔ ترکیب پیرفت‌ها .....
۵۷.....	۱۰. انواع گزاره‌ها و نقش‌گرایی هلیدی .....
۶۲.....	<b>فصل چهارم: تحلیل تفاوت‌های روایی داستان‌ها</b> .....
۶۳.....	بخش اول- تحلیل تفاوت‌های روایی داستان‌های اصلی .....
۶۳.....	۱. شیر و گاو .....
۹۹.....	۲. بازجست کار دمنه .....
۷۴.....	۳. کبوتر مطوقه و زاغ و موش و سنگپشت و آهو .....
۸۸.....	۴. بوف و زاغ .....
۸۰.....	۵. بوزینه و باخه .....
۳۳.....	۶. زاهد و راسو .....
۸۵.....	۷. موش و گربه .....
۷۷.....	۸. پادشاه و فنزه .....
۸۹.....	۹. شیر و شغال .....
۹۱.....	۱۰- تیرانداز و ماده‌شیر .....

- ۱۱- زاهد و مهمان ..... ۹۴
- ۱۲- پادشاه و برهمنان ..... ۵۵
- ۱۳- زرگر و سیاح ..... ۱۰۰
- ۱۴- شاهزاده و یارانش ..... ۱۰۳
- بخش دوم- تحلیل تفاوت‌های روایی داستان‌های فرعی ..... ۱۰۸
- ۰,۱- مردی که گنج بیابان از دست داد ..... ۱۰۸
- ۰,۲- مرد و تخته زرد ..... ۱۰۸
- ۰,۳- مرد و خانه پرعود ..... ۱۹۹
- ۰,۴- شولم شولم ..... ۱۹۹
- ۰,۵- بازرگان و نگین‌سای چنگی ..... ۱۹۹
- ۰,۶- سگ و استخوان ..... ۱۱۰
- ۰,۷- مردی که از ترس در چاه گریخت ..... ۱۱۰
- ۱,۱- حکایت بوزینه و نجاری ..... ۱۱۱
- ۱,۲- حکایت روباه و طبل ..... ۱۱۱
- ۱,۳- حکایت زاهد و دزد و روباه و زن بدکاره و... ..... ۱۱۲
- ۱,۴- زاغ و مار ..... ۱۱۵
- ۱,۴,۱- علیجوم و خرچنگ ..... ۱۱۶
- ۱,۵- شیر و خرگوش ..... ۱۱۷
- ۱,۶- سه ماهی ..... ۱۱۹
- ۱,۷- بط و روشنایی در آب ..... ۱۱۹
- ۱,۸- شیر و زاغ و گرگ و شغال و شتر ..... ۱۱۹
- ۱,۹- طیطوی و وکیل دریا ..... ۱۲۱
- ۱,۹,۱- دو بط و سنگ‌پشت ..... ۱۲۲
- ۱,۱۰- بوزینگان و شبتاب ..... ۱۲۲
- ۱,۱۱- دو شریک زیرک و نادان ..... ۱۲۳
- ۱,۱۱,۱- غوک و مار ..... ۱۲۳

- ۱۲۴..... ۱،۱۲- بازرگان و موش‌های آهنخوار
- ۱۵۵..... ۲،۱- زن بازرگان و نقاش و غلام
- ۱۵۵..... ۲،۲- پزشک نادان مدعی
- ۱۲۷..... ۲،۳- مرزبان و زن و بازدار
- ۱۲۸..... ۳،۱- موش و زاهد و مهمان
- ۱۹۹..... ۳،۱،۱- زن و کنجد پوست کرده
- ۱۹۹..... ۳،۱،۱،۱- صیاد و آهو و گراز و گرگ
- ۱۳۰..... ۴،۱- برگزیدن بوم به پادشاهی مرغان
- ۱۳۱..... ۴،۱،۱- خرگوش و پیلان
- ۱۳۱..... ۴،۱،۲- خرگوش و کبک و گربه زاهد
- ۱۳۲..... ۴،۲- زاهد و دزدان
- ۱۳۲..... ۴،۳- بازرگان زشت‌روی و زنش
- ۱۳۳..... ۴،۴- زاهد و دزد و دیو
- ۱۳۳..... ۴،۵- درودگر و زن بدکارش
- ۱۳۴..... ۴،۶- زاهد و عروسی موش
- ۱۳۵..... ۴،۷- مار و غوکان
- ۱۳۶..... ۵،۱- شیر و روباه و خر
- ۱۷۷..... ۶،۱- زاهد و کوزه روغن
- ۱۷۷..... ۸،۱- زال و مهستی
- ۱۸۸..... ۱۱،۱- زاغ و راه رفتن کبک
- ۱۳۹..... ۱۲،۱- کبوتر و جفتش
- ۱۳۹..... ۱۴،۱- پیر زاهد و دو پرنده
- ۱۴۲..... **فصل سوم: جمع‌بندی و نتیجه**
- ۱۴۳..... تأثیر عوامل فرهنگی بر تصرف در داستان‌ها
- ۱۴۵..... چند ویژگی روایی متن عمومی کلیله و دمنه
- ۱۴۶..... تفاوت‌های روایی تحریرهای کلیله و دمنه



تفاوت‌های شیوه داستان‌پردازی بخاری و منشی ..... ۱۴۶

شیوه‌های داستان‌پردازی انوار سهیلی و عیار دانش ..... ۱۴۹

چند نتیجه روایت‌شناسانه ..... ۱۵۱

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های بعدی ..... ۱۵۵

**منابع** ..... ۱۵۶

**پیوست‌ها** ..... ۱۶۰

## پیشگفتار

تا یک ورق از کلیله در گوشم شد  
سبب و ورق از شفا فراموشم شد  
جلال‌الدین همایی

دل در گرو داستان ایرانی داشتم، داستان‌های قدیم. خواستم چیزی شبیه تاریخ ادبیات داستانی قدیم ایران بنویسم، تا تأکیدی کنم بر وجود و اهمیت چنین چیزی. گفتند کار پایان‌نامه ارشد نیست. راست می‌گفتند. این سو و آن سو را گشتم تا چیزی خرد ذیل آن موضوع کلان بیابم. شیفته کلیله و دمنه نیز بودم، شیفته حکمت قدیم، حیران از این همه باور بلند در میان این قصه‌های به ظاهر سطحی، و پر از سؤال.

از اولین صحبت‌هایی که با دکتر پورنامداریان و دکتر پارساپور و دکتر آزادیان، راجع به پایان‌نامه‌ای درباره داستان‌های سنتی ایران داشتم، تا روزهایی که موضوع این رساله برایم قطعی شد، نزدیک به یک سال طول کشید.

طرح رساله در گروه بررسی شد: «بررسی تحول روایی...». گفتند باید روایت‌شناسانه کار کنی. سر سودایی طغیانگری داشتم، در جدال با هر آنچه که از غرب آمده بود و خیال می‌کردم خودمان بدیلی برایش داریم. با همه رویکردهای مدرن ادبی هم. روایت‌شناسی هم. بس که از این‌ها ترجمه‌های بد و پژوهش‌های بی‌حاصل دیده و خوانده بودیم! طرح‌نامه را محترمانه علیه روایت‌شناسی نوشتم و ارجاع به یافتن روشی در خود متن یا سنت ادبی خودمان دادم.

کار آغاز شد. می‌خواندم، می‌نوشتیم، خط می‌زدیم. هیچ الگویی پیش رویم نبود! از جستجوهایم در علوم ادبی قدیم، مطمئن شدم که قدامت توجه جدی‌ای به روایت نکرده‌اند. خودم بودم و خودم. خط‌خطی‌هایم ماه‌ها طول کشید. غریبه نبودم با روایت‌شناسی. خوانده بودم، شنیده بودم، اما همه از بیرون گود. کتاب نظری را که می‌خوانی، اگر مسأله را تجربه نکرده باشی، انگار داری حرف‌های بیهوده‌ای را می‌خوانی که چیزهایی را به هم بافته‌اند. اما حالا مسأله را تجربه کرده بودم، ماه‌ها فکر کرده بودم به جزئیات روایت داستان‌ها. بازگشتم به کتاب‌های روایت‌شناسی. این بار هم‌دل‌تر بودم با حرف‌هایی که می‌زدند. می‌دیدم که آن‌ها هم، خیلی از چیزهایی را که خودم به آن‌ها دست یافته بودم، گفته‌اند و انگار من دارم چرخ را از نو اختراع می‌کنم. اما در زمانه‌ای که همه چیز جعلی و دروغین است، چاره نوپایی که به هیچ چیز نمی‌تواند اعتماد کند، چیست جز اختراع دوباره چرخ؟!

از سر جدال با روایت‌شناسی برخاستم. جمله جمله می‌خواندم و محک می‌زدیم و سعی می‌کردم ببینم چقدر می‌تواند با ادبیات ما مطابقت داشته باشد. کلیله و دمنه‌هایم را می‌خواندم و آن‌ها را با همه آن حرف‌ها می‌سنجیدم و چیزهایی می‌نوشتیم و باز خط می‌زدیم.

در میان همه آن حرف‌های روایت‌شناختی، اما باز الگوی مناسبی برای کار تطبیقی نبود. چند ماه شد تا به شکل نهایی جدول‌ها رسیدم و باز چندماه گذشت تا هر چهار متن را گزاره به گزاره در جدول‌ها قرار دادم. جدول‌های تطبیق روایات، اگر بگویم کمرم را در پایان‌نامه خم کردند، چندان اغراق نیست.

حداقل این که آن خیالات سودایی و سر طغیانگر را، با دقتی که نیاز داشتند، چنان طوق زدند که مُردم و باز زنده شدم تا خیالاتِ بلندم را بازیافتیم.

جدول‌ها آماده شد. حالا باید جدول هر داستان، یک به یک، شرح و تحلیل می‌شد. انجام شد که نتیجه‌اش شد فصل چهارم رساله. نحوه نوشتن همین هم، خودش مسأله‌ای بود. چقدر جزئی بنویسم؟ چقدر اجمالی؟ چقدر کار را بسپرم به خود خواننده؟ وقتی جدول‌ها در ضمیمه هست، اصلاً نیازی هست که تفاوت‌ها را توضیحی بدهم؟ یا خواننده‌ها اصلاً از این جدول‌ها سر در می‌آورند؟ به حقیقت اگر در این قسمت هم، راهنمایی‌های دو استاد راهنما و مشاور نبود، معلوم نبود چند ماه باید در حیرانی‌اش سر می‌کردم!

به هر حال، رساله در زمانی نزدیک به یک سال و نیم با جانی که از من کاست، به انجام رسید. من در حین نگارش این رساله بیش از آن‌چه خیال می‌کردم آموختم. مهم‌تر از همه آن‌که توان خیالاتِ بلند و آمال طویل‌م را دریافتم و دانستم که علم حقیقی نه با شعار، بلکه با مطالعه و آموختن و کار و کار و دقت در جزئیات شکل می‌گیرد. فهمیدم که مقابله‌ام با رویکردهای نوینی چون روایت‌شناسی باید چگونه باشد که لب دریافتم را در آغاز فصل سوم و بخش مربوط در فصل پایانی نوشته‌ام. فهمیدم که باید بار دیگر جانی دوباره در خودم بدمم برای ساختن آنچه علم سزاوار تمدنِ مطلوبِ خودمان می‌دانمش.

حالا همه امید و آرزوی من این است که نه به اندازه زحمتی که به پایش رفت، بلکه به اندازه یک پایان‌نامه سزاوار کارشناسی ارشد به کار علم این مملکت بیاید و بنای محکمی باشد برای محقق بعدی تا بتواند با خیال راحت بر سر آن بایستد.

در این جا بر خودم بایسته می‌بینم که سپاس و تشکر را نثار همه بزرگوارانی کنم که در این یک‌سال و نیم یار و امیدبخش من بودند. سپاس گزارم از استاد راهنمایم، سرکار خانم دکتر پارساپور، که علی‌رغم همه اشتغالات فراوانشان همیشه به من لطف داشتند و بزرگوارانه همه بی‌نظمی و کنده‌ی کار مرا تحمل کردند و در هر مرحله از کار، که حیرت‌زده فرومی‌ماندم، با راهنمایی‌های ارزنده‌یشان راه را به رویم می‌گشودند. ممنون و مدیون استاد مشاورم، جناب آقای دکتر آزادپان هستم که همواره، وقت و بی‌وقت در اوج خستگی‌هایشان به سراغشان می‌رفتم و سرکشی‌هایم را در مقابلشان سر می‌گشودم و استادانه رامم می‌کردند و راه درست پژوهش را، چنان که از دوره کارشناسی، به من نشان می‌دادند.

سپاس گزارم از دوستان عزیزم، که همواره روشنی قلب و آب حیاتم بوده اند. سپاس ویژه‌ام نثار دوست و برادرم، رادمان رسولی‌مهربان است که همیشه به من امید داد و عصای دستم شد تا از پا نیفتم. او در بخش‌هایی از پایان‌نامه کمک‌هایی قابل توجه به من کرد. بی‌نهایت سپاس گزارم از سرکار خانم محیا مقیمی که همه رساله را به دقت خواندند و ایراداتش را بر من نشان دادند و همیشه مرا در کار تشویق کردند. سپاس گزارم از دوستان عزیزم چون نازنین توتونچیان، رضا زنگنه، دکتر مهدی حیدری و محمد رزمی که بخش یا بخش‌هایی از پایان‌نامه را خواندند و بی‌دریغ نظراتشان را راهنمای کارم کردند. همین‌طور ممنونم از دوست دانشمندم، سرکار خانم آزاده شریفی که به ویژه در بخش‌های مربوط به نقش‌گرایی راهنمایی‌ام کردند و پایان‌نامه ارزشمندشان را در اختیارم گذاشتند.

و سپاس گزارم از استادان بزرگواری که همواره حمایت کردند و چراغ راهم شدند: جناب آقای دکتر محمد راغب، که پایان‌نامه کارشناسی ارشدشان تنها الگوی من در رساله بود و خود نیز لطف و حمایتشان را شامل حالم کردند؛ سرکار خانم دکتر زهرا حیاتی، که از نخستین مراحل کار، مغروق بحر لطف و حمایت بیکرانشان بودم و اگر امیدی که به من می‌دادند نبود، چه بسا هرگز توانی برای پایان کار در من نمی‌ماند؛ و سرکار خانم دکتر مریم شریف‌نسب و جناب آقای دکتر مهدی علیایی مقدم، که در مراحل از کار با دقت بسیار خود راهنمایی‌ام کردند و حامی‌ام شدند.

و سپاس اول و آخرم را نثار خانواده عزیزم می‌کنم که در طول این مدت، تنگ‌خلقی‌ها، حواس‌پرتی‌ها و غیبت‌های مرا تحمل کردند و چون همیشه، لحظه‌ای از تشویق و حمایت و همراهی‌ام بازنايستادند.

و هر چه هست از اوست.

علیرضا فتاح امید

خرداد ۱۳۹۴

## فصل اول: طرح تحقیق

### مسأله پژوهش

کلیله و دمنه، یک اثر ادبی داستانی است که هم‌زمان با نخستین ترجمه‌هایش به فارسی، از شهرت و محبوبیت بسیاری در میان ایرانیان برخوردار شد. این اثر، با اصلی هندی و به واسطه زبان پهلوی و فرهنگ ایران ساسانی، به تمدن اسلامی رسید و نخست به زبان عربی و سپس بارها به زبان فارسی ترجمه شد. در تمدن ایران اسلامی تا پیش از دوران تجدد و مشروطه، از این کتاب، چهار ترجمه به زبان فارسی موجود است. دو ترجمه مربوط به قرن ششم، یکی از شرق ایران، و دیگری از غرب ایران، یعنی کلیله و دمنه بهرامشاهی، به قلم نصرالله منشی و دیگری، مشهور به داستان‌های بیدپای، به قلم محمد بن عبدالله بخاری است. بازنویسی سوم، موسوم به انوار سهیلی از ملاحسین واعظ کاشفی مربوط به قرن نهم و ناحیه خراسان است. و آخرین بازنویسی مشهور و مهم، عیار دانش است که در اواخر قرن دهم، در دربار بابرین هند به دست ابوالفضل علمای دکنی، نوشته شد.

این چهار بازنویسی چنان که اشاره شد، در فاصله پانصد سال و در نواحی پراکنده‌ای از جغرافیای وسیع تمدن ایرانی و زبان فارسی نوشته شده اند. واضح است که این فاصله‌های زمانی و مکانی، در کنار خلاقیت و شخصیت هر یک از این نویسندگان، تأثیر بزرگی بر نحوه روایت داستان‌های کلیله و دمنه می‌گذارد. لذا، باید به دقت بررسی کرد که این چهار اثر، از منظر روایی چه تفاوت‌هایی با هم دارند. این پژوهش در پی پاسخ به این مسأله شکل گرفته است.

### موضوع پژوهش

این پژوهش به بررسی تفاوت‌های روایی چهار بازنویسی کلیله و دمنه در نثر فارسی تا قرن دهم می‌پردازد.

### قلمرو پژوهش

این پژوهش در حوزه زبان فارسی و فرهنگ ایرانی، در بازه زمانی قرن ششم تا اواخر قرن دهم، و در حیطه موضوعی کلیله و دمنه‌های منثور فارسی است.

### اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت و تأثیر فرهنگی، تاریخی و ادبی کلیله و دمنه در فرهنگ و ادب ایران نیاز به توضیح ندارد. اما تدقیق و تحقیق در این اثر، هنوز دچار خلأهای بسیاری است. این پژوهش بر آن است که در نگاه به تفاوت‌های روایی داستان‌های کلیله در بازنویسی‌های آن، تاریخی از تحولاتی را که این اثر دستخوش

آنان شده است، بازنمایاند. ضمن این که این پژوهش، دریچه‌هایی بر چگونگی تحول روایی، و تاریخ کلیله و دمنه، نیز می‌گشاید.

### اهداف پژوهش

هدف اصلی و آشکار این پژوهش، کشف و بررسی تحولات روایی داستان‌های کلیله و دمنه در بازنویسی‌های آن، با تأکید بر توالی گزاره‌های روایی است. این پژوهش، سر آن دارد که در توان خود و تا جای ممکن، زمینه‌های فکری و فرهنگی را که موجب این تحولات شده اند، نیز دریابد.

### کاربردهای پژوهش

این پژوهش از سویی به شناخت تاریخ کلیله و دمنه و سبک و نحوه روایت هر چهار بازنویسی مورد بررسی بسیار کمک می‌کند و می‌تواند مورد استفاده هر کلیله‌پژوهی قرار گیرد و از سوی دیگر هم، تجربه‌ای دقیق و متن‌محور در روایت‌شناسی متون فارسی، آن هم در متون کهن، است که از این جهت می‌تواند به کار همه روایت‌پژوهان فارسی‌زبان بیاید.

### نوع پژوهش

این پایان‌نامه، یک پژوهش نظری-پنیدادی است.

### سؤالات پژوهش

۱. داستان‌های کلیله و دمنه، تا چه حد، در بازنویسی‌ها، افزایش و کاهش داشته اند؟
۲. در بازنویسی‌های منثور کلیله و دمنه، حکایت‌ها و داستان‌ها، در پی‌رنگ و روایت خود، چه تفاوت‌هایی دارند؟
۳. تفاوت‌های روایی داستان‌ها، تا چه مقدار معنادار و ناشی از تفاوت فکری و فرهنگی در داستان است؟

### فرضیه‌های پژوهش

۱. بازنویسی‌های کلیله و دمنه، بسته به ارتباط و تقید نسبت به متن اصلی و فرهنگ پس‌زمینه آن، در داستان‌ها و روایات تصرف کرده‌اند و حتی داستان‌هایی را حذف یا اضافه کرده‌اند. این تفاوت‌ها، در قرون نهم و دهم، بسیار بیشتر شده است.

۲. در بازنویسی‌های کلیله در طول تاریخ، بیشتر سعی شده تا روابط منطقی بر وقایع داستان حاکم شود.

۳. تفاوت‌های روایی داستان‌ها، مطابق با تغییرات فرهنگی تاریخ و جغرافیای هر بازنویسی است، که نشان می‌دهد علی‌رغم این‌که همه این آثار، بازنویسی و ترجمه یک اثر واحد هستند، اما هریک سخت تحت تأثیر اوضاع زمانه خود قرار دارند.

### روش پژوهش

در این پژوهش، با استفاده از دانش روایت‌شناسی و روایت‌پژوهی معاصر، با تمرکز بر مفاهیمی چون گزاره و پی‌رفت، تک‌تک داستان‌های کلیله و دمنه در هر چهار کتاب تجزیه و تحلیل شده‌اند. در همین حال، از بعضی از نتایج دانش زبان‌شناسی نقش‌گرا نیز برای تحلیل انواع گزاره‌ها استفاده شده است. سپس بر مبنای این مفاهیم، روشی برای مقایسه ریزبه‌ریز این چهار متن در نظر گرفته شده است که منجر به تدوین جدول‌هایی تطبیقی برای هریک از داستان‌ها شده است (ر.ک: پیوست‌ها). و نهایتاً بر اساس جدول‌های تطبیقی و بعضی برشماری‌ها فرضیه‌های پژوهش بررسی شده‌اند و نتایج تحقیق را به دست داده‌اند.

شرح و توضیح این مبانی روش‌شناختی و نحوه استفاده و تصرف در آن‌ها در فصل سوم پایان‌نامه به تفصیل آمده است.

### پیشینه پژوهش

در قریب به صد سالی که از شروع پژوهش‌های آکادمیک ادبیات در ایران می‌گذرد، پژوهش‌های متعددی درباره کلیله و دمنه انجام شده است، اما به اطمینان و تأکید می‌توان گفت که در برابر اهمیت بسیار کلیله و دمنه، در مقام یکی از برترین و مؤثرترین متون ادبی و فرهنگی ایران، هنوز کمیت و کیفیت این تحقیقات، بسیار اندک است.

گذشته از تصحیح‌ها و پژوهش‌های نسخه‌شناسانه در این باره، که کمابیش به اهم این تحقیقات در میان معرفی و توضیح بازنویسی‌های کلیله و دمنه اشاره خواهد شد (ر.ک: فصل دوم)، بهترین و جامع‌ترین پژوهشی که درباره کلیله و دمنه و تاریخ و تحولات آن نوشته شده است، کتابی است از مرحوم دکتر محمدجعفر محجوب با عنوان «درباره کلیله و دمنه: تاریخچه، ترجمه‌ها، و دو باب ترجمه نشده از کلیله و دمنه» که برای اولین بار در سال ۱۳۳۶ منتشر شد.



همچنین کتابی به نام *برزوی طبیب و منشأ کلیله و دمنه*، از فرانسوا دوبلوا، به کوشش دکتر صادق سجادی در سال ۱۳۸۲ ترجمه و منتشر شد. این کتاب با روشی دقیق و علمی، از طریق مقایسه متون نسخه‌ها و بازنویسی‌ها و استفاده از اطلاعات نسخه‌شناختی و تاریخی تلاش می‌کند ریشه و منشأ باب‌های مقدماتی کتاب، یعنی مقدمه ابن مقفع و به خصوص باب‌های بعثت برزویه و زندگی برزویه را بیابد. علاوه بر این، درباره کلیله و دمنه و بازنویسی‌هایش، مقالات زیادی نوشته شده است که البته چنان که گفته شد، کمتر از سزای حقیقی آن است و عموماً هم ارتباطی با موضوع مورد نظر این پژوهش ندارند. البته استفاده از این مقالات در هر جا که ممکن بوده کمکی به این پژوهش کند، بر این نگارنده فرض دانسته شده است.

شاید مرتبط‌ترین این مقالات با موضوع این پژوهش، مقاله «بررسی بعضی اختلاف‌های کلیله و دمنه نصرالله منشی با ترجمه عربی ابن مقفع و داستان‌های بیدپای و پنجاکیانه» نوشته دکتر علی حیدری در فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهرا باشد. این مقاله به بررسی متنی ۱۱ مورد از اختلافات جزئی و البته جالب و قابل توجه تحریر نصرالله با سه روایت دیگر پرداخته است، که در نتیجه آن بعضی لغزش‌های روایت نصرالله آشکار شده است (حیدری: ۶۰).

ضمناً می‌توان به مقالات متعددی در باب روایت‌شناسی کلیله و دمنه نصرالله منشی اشاره کرد، چون «ریخت‌شناسی حکایت‌های کلیله و دمنه‌ی نصرالله منشی» نوشته احمد پارسا و لاله صلواتی، «روایت‌شناسی داستان بوم و زاغ در کلیله و دمنه» نوشته علیرضا نبی‌لو، «ساختار و ویژگی داستانهای اپیزودیک بر اساس کلیله و دمنه» نوشته فاطمه معین‌الدینی، «بررسی تداوم زمان روایت در حکایت‌های فرعی کلیله و دمنه» نوشته عباس جاهدجاه و لیلا رضایی و «تفاوت راوی قصه‌نویس و قصه‌گو در داستان شیر و گاو از کلیله و دمنه و داستان‌های بیدپای» نوشته محمد تقوی و مینا بهنام. چنان که مشاهده می‌شود اکثر قریب به اتفاق این دست پژوهش‌ها تنها به بررسی کلیله و دمنه بهرامشاهی می‌پردازند و چندان توجهی به سایر بازنویسی‌ها ندارند.

اما در میان پایان‌نامه‌ها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دکتر محمد راغب در دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۵، با عنوان «کلیله و دمنه از منظر روایت‌شناسی» مرتبط‌ترین و یکی از بهترین پژوهش‌های انجام شده در این حیطه است. این پایان‌نامه موضوعی کاملاً مشابه با این پژوهش دارد، اما تفاوت اصلی در آن است که تنها به بررسی باب شیر و گاو پرداخته است و از سوی دیگر هم، بر بنای روش بارت و البته با ایجاد تغییراتی در آن انجام شده است. این پایان‌نامه با تقسیم داستان شیر و گاو به پی‌رفت‌هایش و مقایسه چهار روایت از آن بر مبنای کارکرد گزاره‌ها، ساختار روایت در این داستان را بررسی کرده است. البته پس از

داستانهای بیدپای و کلیله و دمنه بهرامشاهی و انوار سهیلی، به جای عیار دانش، پنچاکیانه را روایت چهارم خود در نظر گرفته است که این نیز تفاوت دیگری میان این پایان‌نامه و پژوهش حاضر است. اما مجموعاً این پایان‌نامه بنا بر کیفیت مطلوب و تشابهات بسیارش با کار ما، یکی از مهم‌ترین منابع و الگوهای این کار قرار گرفته است.

همچنین یک پایان‌نامه در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، با عنوان «شکل‌شناسی داستانهای کلیله و دمنه و مقایسه‌ی آن با انوار سهیلی» نوشته‌ی آقای علی دنکوب در سال ۱۳۸۰، موضوعی تقریباً مشابه موضوع این پژوهش دارد که به دو دلیل زیر ما را از این پژوهش باز نمی‌دارد و بلکه به انجام آن بیشتر تشویق می‌کند: ۱. این پایان‌نامه صرفاً در مقایسه‌ی کلیله و دمنه بهرامشاهی و انوار سهیلی انجام شده است، نه چون پژوهش مورد نظر ما، در مقایسه‌ی چهار بازنویسی کلیله و دمنه. ۲. مقایسه‌ی انجام شده میان این دو متن، در این پایان‌نامه، بر مبنای عناصر داستانی، چون پی‌رنگ و زاویه دید و فضاسازی و... است که با این شکل امروزه چندان در روایت‌شناسی اعتبار علمی ندارند. ۳. مقایسه‌ی انجام شده میان دو متن، چندان دقیق و ریزبین نیست و عموماً به بیان خلاصه‌ای از داستان و ذکر تفاوت‌هایی کلی پرداخته شده است.

## فصل دوم:

### نگاهی به تحریرهای کلیده و دمنه

۱. پنجه تتره<sup>۱</sup>

پنجه تتره به زبان سنسکریت به معنای پنج کتاب یا پنج موضوع است (ایندوشیکهر: ۵). این کتاب منسوب است به حکیمی به نام ویشنو شرمین که با قصه‌های آن، سه فرزند پادشاهی به نام «آمره شکتی» را تعلیم می‌دهد. این کتاب، پنج فصل و یک مقدمه در توضیح ماجرای ویشنو شرمین و پادشاه دارد که نام‌های آن پنج فصل چنین اند: ۱. نفاق دوستان، حاوی قصه اصلی شیر و گاو؛ ۲. آیین دوستی حاوی داستان اصلی کبوتر و زاغ و موش و آهو؛ ۳. بومان و زاغان؛ ۴. اتلاف آن چه بدست آمده بود، حاوی قصه اصلی سوسمار و بوزینه؛ و ۵. کار نسنجیده، حاوی قصه اصلی زاهد و راسو.

آشکار است که این قصه‌ها ریشه‌های باستانی دارند، اما تاریخ تألیف و گردآوری دقیق کتاب مشخص نیست. ایندوشیکهر می‌نویسد «پنچتترا اثر دوره گوپتاس است دوره‌ای که در آن سنن برهمنی نیروی تازه گرفته بود و در آن دوره زبان سنسکریت زبان درباریان و نجیب‌زادگان بوده است و احتیاج بکتابی داشته که ایشان را براه راست هدایت کند» (همان: ۲۳). امپراتوری گوپتا در قرن‌های چهارم تا پنجم میلادی در هند حکومت می‌کردند. رضایی باغبیدی، به طور دقیق‌تر، در همراهی با قول مستشرقینی چون هرتل، وینترنیس و توماس نوشته است «از آنجا که قدیم‌ترین ترجمه موجود پنجه تتره به زبان سریانی و در ۵۷۰ میلادی انجام گرفته است و سالیان دراز طول می‌کشیده تا کتابی محبوبیت جهانی یابد و ترجمه شود، و نیز از آنجا که در این کتاب در یک مورد واژه دیناره «دینار»، که واژه‌ای عاریتی از لاتینی است، به کار رفته است، نسبت دادن آن به اوایل قرن چهارم میلادی چندان ناصواب به نظر نمی‌رسد» (رضایی باغبیدی: ۸۵).

متن اصلی سنسکریت پنجه تتره از بین رفته است و چیزی که امروز به نام پنجه تتره سنسکریت مطرح است و به فارسی هم به دست دکتر ایندوشیکهر ترجمه شده، حاصل کوشش و پژوهش و گردآوری یوهان هرتل<sup>۲</sup> و فرانکلین اجرتون<sup>۳</sup> از طریق بازنویسی‌های آن و آثارش در سایر متون است. تحریرهای باقی‌مانده اصلی از این کتاب، این‌ها هستند:

۱. تتره کهیاییکه، به خط شاردآ، که ظاهراً کهن‌ترین روایت موجود این کتاب است و هرتل و اجرتون آن را بنای کار خود قرار داده‌اند؛

۲. پنجه تتره جنوبی، که «در واقع خلاصه و چکیده پنجه تتره اصلی است» (رضایی باغبیدی: ۸۸)؛

۳. پنجه تتره نیالی؛

<sup>۱</sup> Pancha-tantra.

<sup>۲</sup> J. Hertel.

<sup>۳</sup> F. Edgerton.

۴. هیتوپدِشَه، که کتابی است بنگالی و اساساً کتابی غیر از پنچه تتره است و ساختاری متفاوت دارد. هیتوپدِشَه، چهل و سه حکایت دارد که بیست و پنج حکایت را از پنچه تتره اقتباس کرده است (همان: ۸۹)؛

۵ و ۶. کتهاسریت ساگره و بریهت کتها منجری، که هر دو ترجمه سنسکریت از تحریر شمال غربی کتاب بریهت کتها هستند. این کتاب در اصل منظومه‌ای مستقل سروده شاعری به نام گونادهیه به زبان پراکریت پیشاچی بوده است که در زمانی نامعین «در بازنویسی این کتاب، از روایتی از پنچه تتره نیز استفاده و مطالبی از پنچه تتره بدان افزوده شد» (همان: ۹۰)؛

۷. تحریر راهبی جینی، مشهور به متن ساده؛

۸. پنچاکهیاَنکه، تحریر پورنه بهدره، که با استفاده از متن ساده و تتراکهیاَیکه و احتمالاً متن نامعلوم دیگری نوشته شده است (همان: ۹۲).

این هشت تحریر را محققان در سه دسته روایت کلی تقسیم کرده‌اند:

۱. تتراکهیاَیکه و متن ساده و تحریر سوم حاصل از آن دو، یعنی پنچاکهیاَنکه، که اجرتون نام متن منشأ این دسته را تتراکهیاَیکه اصلی گذاشته است (همان: ۹۳).

۲. روایت جنوبی و شمال شرقی (بنگالی)، که شامل پنچه تتره‌های جنوبی و نیالی و هیتوپدِشَه می‌شود.

۳. روایت شمال غربی بریهت کتها که شامل بریهت کتها منجری و کتهاسریت ساگره است. پیش‌تر، بسیاری از محققان به وجود دسته چهارمی هم به زبان سنسکریت معتقد بودند که برزویه طبیب، کلیده و دمنه‌اش را از آن ترجمه کرده است. اما فتح‌الله مجتبابی در مقاله «ملاحظات درباره‌ی اعلام کلیده و دمنه» از طریق بررسی تحولات آوایی نام‌های خاص کتاب، اثبات می‌کند که «این داستان‌ها بی‌شک از زبانی جز سنسکریت به زبان پهلوی درآمده است، و ... این زبان همان پراکریتی بوده است که به «پیشاچی» معروف بوده و زبان‌های دردی و کافری جدید از آن مشتق شده‌اند» (مجتبابی: ۲: ۱۸۹).

